

بخش سوم گفت وگوی صریح و تفصیلی رئیس جمهور با مردم؛

وقتی می توانیم با گفت وگو حق خود را بگیریم

چرا این کار را نکنیم؟

عده‌ای در حوزه فرهنگ فعالیت می‌کنند، عده‌ای در ورزش، اشتغال، بهداشت، سلامت و مسائل روحی و روانی؛ عده‌ای کسب‌اند و عده‌ای صنعتگرند.

در نتیجه، ما محله را به‌عنوان یک منطقه می‌بینیم و با استفاده از پایگاه‌هایی که می‌توان از طریق آن‌ها به مخاطبان موجود در آن منطقه دسترسی پیدا کرد، برنامه را طراحی می‌کنیم. همچنین می‌توانیم میان این پایگاه‌ها هماهنگی ایجاد کنیم.

مردم را به خودی و ناخودی تقسیم کردیم در حالی که ناخودی اصلا وجود ندارد

در نگاه من، مسجد اصولاً باید همه این ظرفیت‌ها را در خود داشته باشد؛ اما چون نگاه‌های ما بسته شده و تصور کرده‌ایم کسی که ما او را مذهبی می‌دانیم، خودی است و دیگری غیرمذهبی و غیرخودی، نتوانسته‌ایم همه را جذب کنیم. پیامبران و امامان نیامدند بگویند کسانی که مذهبی‌اند بیایند و کسانی که مذهبی نیستند، نیایند. آن‌ها همه را می‌دیدند. ما آمده‌ایم خط کشیده‌ایم و مردم را به خودی و ناخودی تقسیم کرده‌ایم؛ در حالی که ناخودی وجود ندارد. هر کسی که در آن محله زندگی می‌کند، متعلق به ماست و ما باید به او رسیدگی کنیم.

ممکن است فردی در آن محله معاند باشد، گرفتار باشد یا با کسی درگیری داشته باشد؛ باید به او رسیدگی کنیم. اگر این محله را به‌عنوان یک سلول زنده در نظر بگیریم و آن را به حرکت درآوریم، می‌توانیم مشکلات منطقه را در زمینه اشتغال، سلامت، آموزش، تدارکات و خدمات جانی حل کنیم.

اگر کمک حال مردم باشیم، مردم ما را باور می‌کنند

مسئله فقط یک موضوع خاص نیست؛ بلکه همه آن چیزهایی است که می‌توان در یک منطقه ایجاد و مدیریت کرد. مسجد یک پایگاه است، اما باورهای ما باید در عمل اثبات شوند. به‌جای اینکه فقط دستور بدیهم مردم چه کاری انجام دهند، باید خودمان برویم و کمک‌حال آنان باشیم. اگر کمک‌حال مردم باشیم، مردم ما را باور می‌کننداین کمک نیز باید مستقل از هر توقعی و بدون چشم‌داشت انجام شود. در قرآن آمده است: «لما نطعمکم لوجه لاله لا نريد منکم جزاء ولا شکورا ان نواف من ربنا یوما یعوسا فقمطیریا». یعنی این کار را انجام نمی‌دهیم که شما به من تشکر کنید یا قدر مرا بداند؛ بلکه به‌خاطر حسایی که فردا باید در پیشگاه خداپس بدهم، این کار را انجام می‌دهم.

خدمت بی‌منت به مردم، باور یک مسلمان است. اگر کسی بتواند چنین عمل کند، می‌تواند بگوید مسلمان است؛ اما وقتی قیافه می‌گیرد، منت می‌گذارد و فکر می‌کند، رفتارش با این باورها همخوانی ندارد؛ هرچند برای خودش هر ادعایی که می‌خواهد داشته باشد.

اگر بخواییم دولت‌شما را از دو منظر بررسی کنیم، یکی اقتصاد دیگری سیاست خارجی، شاید حوزه سیاست خارجی چالش‌برانگیزتر باشد. دولت‌شما با توجیه هر سه شهید اسماعیل هنبه آغاز شد و با فاصله‌ای کوتاه، موضوع فعال‌شدن سازوکار اسنپ‌یک و بازگشت قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل نیز مطرح شد. در آن مقطع، دولت چه تلاش‌هایی برای جلوگیری از وقوع این دو اتفاق انجام داد؟

ببینید، درباره مسائل خارجی، در داخل کشور چالش‌هایی وجود داشته، وجود دارد و احتمالاً در آینده نیز ادامه خواهد داشت. طبیعی است که بخشی از این مسائل به نگاه‌های متفاوت و همکاری نکردن‌های برمی‌گردد که شکل می‌گیرد.

آمریکا تلاش می‌کند هسپانگان را علیه ما بسیج کند

در رابطه با همسایگان، بسیاری از مشکلاتمان را حل کرده‌ایم و روابط بسیار بهتر شده است. اکنون، با جنگی که شکل گرفته، اسرائیل و آمریکا تلاش می‌کنند کشورهای خلیج فارس را علیه ما متحد کنند و ما نیز در تلاش هستیم اجازه ندهیم این اتفاق رخ دهد. بعد از داخل کشور این چالش‌هایی داریم؛ چون همچنان نگاه‌های متفاوتی وجود دارد و طبیعتاً آمریکا و اسرائیل از این وضعیت سوءاستفاده می‌کنند.باور و اعتقاد من این است و این را نه برای شعار، بلکه از روی اعتقاد می‌گویم که مسلمانان با یکدیگر برادرند. رسول خدا این را می‌فرماید و کتاب خدا نیز همین را می‌گوید. برادری مسلمانان به این معنا نیست که شیعه و سنی را یکدیگر جدا باشند؛ مسلمانان با هم برادرند.

حضرت علی(ع) نیز در خطبه ۱۸ نهج‌البلاغه به همین موضوع اشاره می‌کند. مسئله‌ای را نزد یک قاضی می‌برند و او حکمی می‌دهد؛ سپس همان مسئله را نزد قاضی دیگری می‌برند و او حکم دیگری صادر می‌کند. بعد از این قضایان نزد کسی می‌روند که آنان را به قضاوت منصوب کرده و او نیز رگی همه را تأیید می‌کند. حضرت علی(ع) می‌فرماید: «لهم واحد ونبیهم واحد و کتابهم واحد»؛ خدای آنان یکی، پیامبرشان یکی و کتابشان نیز یکی است. آیا خلودن به آنان دستور اختلاف داده و آن‌ها اطاعت کرده‌اند، یا آنان را از اختلاف نهی کرده و آن‌ها نافرمانی کرده‌اند؟

خدا یکی، پیامبر یکی و کتاب یکی است؛ پس برای چه با یکدیگر دعوا می‌کنید؟ این سخن حضرت علی(ع) است؛ همان کسی که ما می‌گوییم شیعه علی (ع) هستیم. چرا مسلمان با مسلمان درگیر می‌شود؟ حرف حساب چیست؟ مگر ممکن است درباره یک موضوع، یکی بگوید حق است و دیگری بگوید باطل، اما هر دو درست گفته باشند؟ باید بنشینند، مشکل خود را حل و توبه کنند. به جای آنکه خدا را ملامت کنند، خودشان را ملامت کنند؛ ما به کشورهای مسلمان برادریم؛ برای چه باید با آن‌ها بجنگیم؟ من واقعاً نمی‌فهمم. نه تنها با کشورهای مسلمان درگیر می‌شویم، بلکه در داخل کشور خودمان نیز با یکدیگر می‌جنگیم و همدیگر را قبول نداریم.

خب، تو از من بهتر؛ یاداشت را خدایم دهد. چرا بر من منت می‌گذاری؟ چرا برای من قیافه می‌گیری و به من امر و نهی می‌کنی؟ می‌کنی؟ چه کسی گفته است که تو باید به من امر و نهی کنی؟ تو خوبی، الحمدلله؛ به من هم خوبی کن، اما بدون منت، همان‌گونه که قرآن می‌فرماید؛ برای خدا نه اینکه بیایی به دیگران امر و نهی کنی که باید این کار را انجام دهد؛ یا آن کار را نکنید. این رفتار موجب فرار مردم از دین و باور می‌شود.

حضرت علی(ع) نیز در فرمان خود به مالک اشتر می‌فرماید که امر و نهی کردن از موضع قدرت، پیامدهای نادرستی دارد. می‌فرماید: «ولا تقولن انی مؤمر امر فاطع»؛ نگو من فرمانروا هستم، دستور می‌دهم و دیگران باید اطاعت کنند.

جامعه را نمی‌توان باور و نهی اداره کرد

ما می‌گوییم جامعه را نمی‌توان با امر و نهی اداره کرد. این روند پیامدهای فاسدی دارد: «فان ذلک افعال فی القلب، ومنهکه للدين، وتقرب من الغیر»؛ یعنی موجب سیاهی قلب، تضعیف دین و نزدیک‌شدن به تغییر و دگرگونی می‌شود. این یک دستور است. با وجود همه این مسائل، با پشتیبانی مقام معظم رهبری شهید

خبر

و اکنون نیز با پشتیبانی رهبر معظم انقلاب تمام تلاش بر وحدت و انسجام است. امروز وضعیت روابط ما با همسایگان خارجی بسیار بهتر از گذشته است.

اروپایی‌ها اختیاری از خودشان ندارند

آقای رئیس‌جمهور، در آن مقطع مذاکراتی با فرانسوی‌ها شکل گرفت تا شاید بتوانند زمینه مصالحه‌ای میان ایران و آمریکا فراهم کنند. در آن مذاکرات چه اتفاقی افتاد که در نهایت آقای ترامپ این پیشنهاد را نپذیرفت؟

تسهیل‌گری در کار نبود. ابتدا خود اروپایی‌ها باید توافق را می‌پذیرفتند. این اروپایی‌ها بودند که موضوع اسنپ‌یک را پیش بردند و این مسئله در ابتدا به ترامپ ارتباطی نداشت. ما با آن‌ها به توافق رسیدیم، اما ظاهرآ باید از طرف دیگری اجازه می‌گرفتند و در نهایت نپذیرفتند. این نشان می‌دهد حتی اروپایی‌ها نیز برای تصمیم‌گیری اختیار کامل ندارند؛ چون اگر اختیار داشتند، ما با آقای مکرون تفاهم کرده بودیم و میان توقعات آن‌ها و خواسته‌های ما هماهنگی به وجود آمده بود. البته همه این اقدامات با مجوز و هماهنگی رهبر معظم انقلاب، رهبر عزیز شهید، انجام شده بود.

گاهی در صدواسیمیا این‌گونه نشان می‌دهند که رهبری گفته‌اند اصلاً مذاکره نمی‌کنیم؛ در حالی که ما همین اقدامات را با اجازه ایشان انجام دادیم و حتی به تفاهم هم رسیده بودیم. اما آمریکا زیر آن زد و بعد اروپایی‌ها موضوع اسنپ‌یک را پیش بردند. اگر همان چیزی را که با آقای مکرون هماهنگ کرده بودیم، می‌پذیرفتند، دیگر نیازی نبود به‌اصطلاح اسنپ‌یک را فعال کنند.

ما جنگ را شروع نکردیم؛ در حال گفت‌وگو بودیم. اما آن‌ها جنگ به راه انداختند. بعضی‌ها می‌گویند این‌ها آمده بودند جلوی جنگ را بگیرند، اما جنگ شد و واقعیت این است که ما آغازگر جنگ نبودیم. محاسبه آن‌ها این بود که با روندی که در پیش گرفته‌اند، کشور از هم خواهد پاشید؛ می‌گفتند در این بستر می‌شود کاری کرد.

اما روند به شکلی که آن‌ها می‌خواستند پیش نرفت. مردم ایران هرگز نپذیرفتند، و حتی کسانی که اعتراض و گلابه داشتند، دندان روی جگر گذاشتند. ما نتوانستیم تا امروز بناییم و اکنون نیز با قدرت بیشتری ایستاده‌ایم.

یکی از اتفاقاتی که در جنگ ۱۲روزه و به‌شکلی گسترده‌تر و عمیق‌تر در جنگ ۴۰روزه رخ داد، هدف قرار گرفتن پایگاه‌های آمریکا در سراسر منطقه بود. این اقدام می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر روابط ایران با کشورهای حاشیه خلیج فارس بگذارد. این مسئله چگونه با سیاست همسایگی دولت شما جمع می‌شود؟

مشکل اینجااست که آمریکا از خاک کشورهای منطقه به ما حمله کرده و پایگاه‌ها و مراکز ما را هدف قرار داده‌است. سؤال این است مدرسه مناب را از کجا زدند؟ از همان کشورهای مسلمان و دوست ما. چرا آنها باید اجازه بدهند بیایند و ما را بزنند؟ ما نمی‌خواهیم آن کشورها را هدف قرار دهیم؛ جایی را می‌زنیم که از همان جا به ما حمله می‌شود.

آمریکا از سزمین کشورهای منطقه به ما حمله می‌کند و ما باید از خود دفاع کنیم

چرا آمریکا باید در منطقه پایگاه ایجاد کند و هر کشور اسلامی را که به حرشش گوش ندک، سر کوب کند؟ چه کسی گفته است ما باید نوکر حلقه‌به گوش آن‌ها باشیم؟ ما قصد زورگویی به هیچ‌کس نداریم. اما زیر بار زور هم نمی‌رویم. قرار نیست به ما زور بگویند، وارد کشورمان شوند و مناجمان را ببرند. اکنون در عراق نفت می‌فرورشد، اما پول آن را به خود عراقی‌ها نمی‌دهند.

رزمندگان ما دنیا را به شگفتی واداشتند

ما مجبور بودیم از خودمان دفاع کنیم و رزمندگان ما، نیروهای هوافضا را نیز، سیاه و همه‌چیزهای رزمنده، جانانه دفاع کردند و دنیا را به تعجب واداشتند. البته این اتفاق به برکت پشتیبانی مردم و مدیریتیی بود که دولت انجام داد. اگر حمایت دولت از این مجموعه وجود نداشت، شکل‌گیری چنین روندی امکان‌پذیر نبود.

ما یک بدن و یک قدرت واحد هستیم و تکه‌تکه نیستیم. کسانی که می‌خواهند بخش‌های مختلف را از یکدیگر جدا کنند، به‌دنبال ایجاد تفرقه و شکاف در جامعه‌اند. بر همه کسانی که در این کشور زندگی می‌کنند، یک مجموعه مقررات، قوانین و یک رهبری حاکم است؛ نه اینکه هر گروهی برای خودش خانی تشکیل دهد. باین‌حال، گاهی عده‌ای نمی‌خواهند این واقعیت را بپذیرند.

یکی از نقاط مهم دوره مسئولیت شما در سیاست خارجی این است که ایران دو بار، با واسطه، وارد گفت‌وگو با ایالات متحده شد؛ یک‌بار پیش از جنگ ۱۲روزه و بار دیگر پس از آن، که در نهایت به جنگ انجامید. منتقدان می‌گویند این مذاکرات از ابتدا یک فریب بود. برخی جریان‌های تندروتر نیز مدعی‌اند آقای پزشکیان و دولت رهبر معظم شهید را برای پذیرش مذاکره تحت فشار قرار دادند؛ اما در نهایت دیدیم که تصمیم نظام بر انجام این مذاکرات قرار گرفت. چه اتفاقی افتاد که نظام به این جمع‌بندی رسید و این دو دور مذاکره را نپذیرفت؟

زیر بار زور نمی‌رویم، اما به‌دنبال جنگ و تجاوز هم نیستیم. جهالت انسان همین کافی است که نداند قدرت و توفش زور چیست. ما می‌خواهیم کسی به ما زور نگوید و قرار هم نیست قید بار زور برویم. بنابرین بهترین راه این است که آن‌ها دست از سر ما برند و به حقن دستن را سر آن‌ها برادریم. مسئله این نیست که ما می‌خواهیم با آن‌ها بجنگیم؛ مسئله این است که آن‌ها ما را ذلیل می‌خواهند و به همین دلیل این روند ادامه پیدا کرده است.

در این گفت‌وگوها، آن‌ها می‌خواستند ما را به‌طور کامل خلع ید کنند. خلع یدشدن یعنی سرنوشتی شبیه غزه؛ بیایند آب‌وخاک ما را شخم بزنند و ما هیچ کاری نتوانیم انجام دهیم. آیا درست است بپذیریم تمام اختیارات نظامی و قدرت دفاعی ما را بگیرند و در برابرشان سر خم کنیم؟ چنین کاری را نمی‌کنیم. در عین حال، ما قصد تجاوز به کشورهای دیگر، تصرف سرزمین یا گسترش مرزها را نداریم. برخلاف صهیونیست‌هایی که آنجا در حقیقت به دنبال اسرائیل بزرگ هستند ما به دنبال ایران بزرگ نیستیم. ما با کشورهای منطقه همسایه‌ایم، مرز مشترک داریم و باید در کنار یکدیگر زندگی کنیم؛ اما اسرائیل با بسیاری از کشورهای اسلامی مرز ندارد و در فکر تجاوز و گرفتن سرزمین آن‌هاست.

آقای رئیس‌جمهور، برخی مدعی‌اند دولت شما رهبر معظم شهید را برای پذیرش مذاکره تحت فشار قرار دد و در واقع مذاکره را به ایشان تحمیل کرد. پاسخ شما به این ادعا چیست؟ کسانی که این حرف را می‌زنند، یا رهبری را نشناخته‌اند یا

خبر



منطق و عقل این موضوع را درک نمی‌کنند. برای اینکه بتوانیم بناییم،

باید بدانیم چه می‌کنیم؛ چه زمانی

می‌خواهیم بجنگیم، چه زمانی صلح کنیم و چه زمانی هر طرف کار خودش را انجام دهد؛ نه جنگ باشد و نه صلح چین و آمریکا با دوست هستند؟ بزرگترین دشمن آمریکا، چین است، چرا عداو نمی‌کنند؟ چین کار خودش را انجام می‌دهد و روزبه‌روز قوی‌تر می‌شود، وقتی ما می‌توانیم از طریق گفت‌وگو حق و حقوقمان را بگیریم، چرا این کار را نکنیم؟ در همین تفاهم‌نامه‌ای که انجام دادیم، توانستیم جنگ لبنان را متوقف کنیم. هر روز در آنجا ۱۰۰ یا ۲۰۰ نفر از مسلمانان شهید می‌شدند، اما این روند متوقف شد. توانستیم محاصره را برداریم، می‌خواستند پول‌هایمان را بازگردانیم و بخشی از ویورها و تحریم‌ها را رفع و حذف کنند. ما نیز قرر بود تنگه را باز کنیم. البته درباره بخشی از مسائل مربوط به تنگه، گفتند طرف مقابل تعهداتش را رعایت نکرده و ما نیز برخورد کردیم.

ما به آمریکا چه دادیم؟ کلی دستاورد داشتیم. چرا به مردم اطلاعات نادرست می‌دهید؟ در تنگه نیز با کشتی‌هایی که

برخلاف توافق عبور کرده بودند، برخورد نظامی کردیم.

باین‌حال، عده‌ای می‌گویند این افراد خائن‌اند و طرف مقابل به هیچ‌چیز عمل نکرده است.

ما از آنچه به نام تفاهم‌نامه نوشته‌ایم، با قدرت دفاع می‌کنیم. یک بند پیدا کنند که در آن کوتاه آمده باشیم. چرا باید دائماً بگوییم بجنگیم؟ این همان چیزی است که اسرائیل می‌خواهد.

اگر بخوانند ما را به تسلیم وادار کنند، خواهیم جنگید، کوتاه نخواهیم آمد و سر تعظیم فرود نخواهیم آورد؛ اما وقتی می‌توانیم حقمان را بگیریم، چرا باید مسیری را ادامه دهیم که اسرائیل می‌خواهد؟ عده‌ای در داخل، دانسته یا نادانسته، همان پیام را از زبان آن‌ها منتقل می‌کنند.

تلقی شخصی شما از تفاهم‌نامه پیروزی است یعنی شما

معتمدی آن تفاهم‌نامه برای ما پیروزی بود؟

تعلیل‌های کشورهای خارجی را ببینید و به حرف من اکتفا نکنید. کسانی که در داخل می‌خواهند این توافق را شکست جلوه دهند، به‌نظر من باید بسیار بی‌انصاف باشند. ما چه چیزی داده‌ایم و کجا کوتاه آمده‌ایم؟

می‌گویند آمریکا به تعهداتش عمل نمی‌کند. خب، تا جایی که آن‌ها عمل کنند، ما هم عمل می‌کنیم و هر جا عمل نکنند، ما نیز تعهدی به ادامه نداریم. مهم این است که ببینیم چه امتیازهایی به دست آورده‌ایم. توانستیم آمریکا را وادار کنیم محاصره را کنار بگذارد.

در مقابل، امتیازی که ما داده بودیم، مربوط به تنگه هرمز بود؛ موضوعی که از قبل هم وجود داشت. قرار شد اجازه دهیم کشتی‌ها از تنگه هرمز عبور کنند، آن هم بر اساس مقررات خودمان، و طرف مقابل نیز با این چارچوب موافق بود.

نیروهای نظامی با تفاهم‌نامه موافق بودند؟

در شورای امنیت ۱۲ یا ۱۳ نفر حق رأی داشتند و ۱۲ نفر صحبت کردند و دو موضع ما دفاع کردند.

چرا موافقت کردند؟

برای اینکه منطق، عقل، میدان و جامعه چنین حکمی می‌کند. یعنی کسی که نمی‌داند همین‌جوری می‌گوید بزن، تبعاتش را هم باید دید. بدین‌ترتیب، البته نمی‌خواهیم آدم‌های ترسوئی بنشینم. همان کسانی بودند که این افتخار را خلق کردند و ما به آن‌ها افتخار می‌کنیم. همین افراد بودند که کشور را تا امروز با قدرت اداره و از آن دفاع کردند.

من نه تنها از شهادت نمی‌ترسم، بلکه آن را برای خود فوز عظیم می‌دانم؛ اما این‌که در این جامعه زندگی کنم و نتوانم مشکلات مردم را حل کنم، به‌هیچ‌وجه برایم قابل قبول نیست. بنابراین باید بتوانم مشکل مردم را حل کنم. یک صدای خیلی بلند است که اختلافی وجود دارد بین نیروهای مسلح، دولت، دستگاه دیپلماتی که مورد جنگ و مذاکرات آیا شما این را تأیید یا رد می‌کنید؟

به‌هیچ‌وجه چنین نبود. تصمیم درباره این موضوع در شورای امنیت گرفته شد و همه نیروهای امنیتی، دفاعی و نظامی از آن دفاع کردند و پذیرفتند. البته نمی‌خواهیم وارد جزئیات شوم. باین‌حال، عده‌ای که کنار گود نشسته‌اند، فقط می‌گویند «لنگش کن»، قرآن می‌فرماید: «بل کنذبوا لم یحیطوا بعلمه ولما یأتهم تأویلہ، کلک کذب الذین من قبلهم فانظر کیف کان عاقبه الظالمین»، یعنی چیزی را تکذیب کردند که به آن علم نداشتند و هنوز حقیقت و تأویل آن برایشان روشن نشده بود. این ظلم بزرگی است که عده‌ای بدون اطلاع از دلایل و علت‌های یک تصمیم، آن را تکذیب کنند. آیا کسانی که در آن جلسه حضور داشتند، همگی ترسو، ناگاه، غیرعلمی و تسلیم‌شده بودند، اما کسی که اصلاً دانش در آتش نیست، از همه بیشتر جراتن دارد؟ ظلمی بالاتر از این نیست که کسی بدون آگاهی، چنین سخنانی بگوید. آن‌هایی که در میدان‌اند و در صحنه می‌جنگند، شرایط را می‌بینند. اما کسی که کنار گود ایستاده، حکم صادر می‌کند و فرادهم اگر مشکلی پیش بیاید، دوباره اعتراض می‌کند که چرا چنین شد. آقای رئیس‌جمهور، مردم دوست دارند بدانند رابطه شما با فرماندهان نیروهای مسلح چگونه است و این رابطه چه پیامی درباره وحدت و هماهنگی میان دولت و نیروهای مسلح دارد؟ فرمانده کل نیروهای مسلح، رهبر عزیز انقلاب هستند. در این موضوع، همه با یکدیگر هماهنگ بودیم و تصمیم را بپذیرفتیم؛ اصلاً مخالفی وجود نداشت. نه تنها مخالفتی نبود، بلکه فرماندهان درباره ضرورت این تصمیم توجیح می‌کردند.

در نتیجه، ما با نیروهای نظامی کاملاً هماهنگ هستیم و وظیفه خود می‌دانیم از آنان پشتیبانی کنیم. آن‌ها جانشان را کف دستشان گذاشته‌اند و از این کشور دفاع می‌کنند. مگر ممکن است من بخوام با آن‌ها اختلاف داشته باشم یا آن‌ها با من؟ اختلاف کنند؟ هیچ شکی نیست که این تفاهم‌نامه با هماهنگی، همدلی و تعامل کامل شکل گرفته است.

عده‌ای می‌گفتند فلائی در آن جلسه تهدید کرده و دیگران را وادار به پذیرش توفیق کرده‌است. مگر آن فرماندهان از تهدید من می‌ترسند؟ آیا اگر آن‌ها اختلاف داشته باشم یا آن‌ها با من؟ عظیم انقلاب به طرف من می‌آیند؟ این سخن جفا در حق آن‌هاست. هیچ کلام از این افراد کسانی نیستند که به این سادگی و بدون منطق، موضوعی را بپذیرند. به‌نظر من، روند سخن گفتن درباره این موضوع باید به‌گونه‌ای باشد که وحدت، انسجام و همدلی را تقویت کند.

با تمام قدرت پشت رهبری ایستاده‌ایم

آنها لقای اختلاف بین شما و مقام معظم رهبری هم می‌کنند؟ ببینید، من بارها و در همه مجامع گفته‌ام؛ حتی در انتخابات،

نورخورتان آنلاین
www.NoorDaily.ir
روابط عمومی
NoorDaily@yahoo.com



اگر خاطراتان باشد، در دانشگاه تهران تنها نامزدی که محکم از مقام معظم رهبری دفاع کرد من بودم. بنده نه تنها از نظر اعتقادی به رهبری باور دارم، بلکه از نظر علمی نیز معتمد در نهایت باید یک نفر حرف آخر را بزند و برای این موضوع می‌توانم دلایل فراوانی ارائه کنم.

هیچ دولتی به اندازه ما در جهت سیاست‌های رهبری قدم برنداشت

حالا عده‌ای می‌خواهند این‌گونه القا کنند که رهبر معظم انقلاب یک حرف می‌زند و دولت حرف دیگری، این سخن هم در حق مقام معظم رهبری و هم در حق دولت جفاست. با قاطعیت می‌گویم هیچ دولتی به اندازه دولت من در مسیر سیاست‌های رهبر معظم انقلاب حرکت نکرده‌است. همان کسانی که در زمان انتخابت باید یک نفر حرف آخر را بزنند و برای این موضوع می‌توانم دلایل فراوانی ارائه کنم. در دوران مسئولیت من، رهبر ایران با تمام قدرت پشت رهبری ایستاده‌ایم و خواهیم ایستاد. طبیعتاً رهبری نیز بر اساس داده‌ها تصمیماتی می‌گیرند که به نفع کشور، روی کار بیایند. الان در میدان یک دسته آمده دارند از این حرف‌ها می‌زنند که بخوانند بگویند ما را در مقابل رهبر معظم انقلاب قرار دهند و یک لگی بچسباندند و بگویند این‌گونه است. با تمام قدرت پشت رهبری ایستاده‌ایم و خواهیم ایستاد. طبیعتاً رهبری نیز بر اساس داده‌ها تصمیماتی می‌گیرند که به نفع کشور، حاکمیت و مردم باشد. کسانی که بدون داده یا با اطلاعات ناقص برای جامعه نسخه می‌نویسند، آن را به تحریف می‌برند. کسی که دانش در آتش نیست و فقط چند اطلاعات پراکنده از این سو و آن‌سو بوده، حق ندارد برای همه مسائل نسخه بیچید. عده‌ای نشسته‌اند و درباره اقتصاد، سیاست، جامعه‌شناسی و کشاورزی اظهارنظر می‌کنند، واقعاً نمی‌دانم این همه دانش را از کجا آورده‌اند. من ۱۷ یا ۱۸ سال در دانشگاه درس خوانده‌ام، استادتمام هستم و در دوران تحصیل نیز همواره جزو دانشجویان برتر کلاس بودم؛ اما اکنون فقط درباره گوشه‌ای از قلب و یک بخش تخصصی آن صحبت می‌کنم و نمی‌توانم درباره همه حوزه‌های قلب نظر بدهم.

قلبی که در مجموع حدود ۲۸۰ تا ۳۰۰ گرم وزن دارد، بیش از ۱۰ یا ۱۵ قوق تخصص مختلف دارد. آن‌وقت درباره جامعه‌ای با این همه پیچیدگی، چند نفر نمی‌نشینند، همه مسائل را حلاجی می‌کنند و برای همه‌چیز راه‌حل می‌دهند. برای من سؤال است که این دانش را از کجا آموخته‌اند.

استفاده نخواهم داد و می‌ایسم

برخی می‌گفتند در فضای مجازی شما موضوع استعفا را مطرح کردید تا در داخل فشار ایجاد کنید و زمینه برای پذیرش توافق فراهم شود. پاسخ شما به این ادعا چیست؟

من هیچ‌وقت به‌صورت رسمی چنین کاری نکردم. من استعفا بدهم رسماً اعلام می‌کنم استعفا دادم. استفاده نخواهم داد؛ می‌ایسم و در برابر کارشکنی‌هایی که انجام می‌شود، با مردم صحبت می‌کنم و توضیح می‌دهم. روند چیست و چگونه پیش می‌رود.ما نوکر مردم و در خدمت آنان هستیم. در این دو سال بگردند و ببینند آیا برای خودمان، قوم‌وخویشمان یا دارودسته‌مان کاری کرده‌ایم یا نه. کسانی که دنبال چنین مواردی هستند، بگردند و پیدا کنند. ما صادقانه می‌خواهیم خدمتکار مردم باشیم و از ایستادن و جنگیدن هم باکی نداریم؛ اما بالاخره عقل هم چیز خوبی است.

از قالیباف خواشش کردیم که رئیس تیم مذاکره کننده شود
عراقچی علیرغم توهین‌ها، شبانه‌روز کاری می‌کند
بعد از جنگ ۴۰ روزه، نمی‌توانیم مذاکره‌کننده قرار شد که مذاکرات را شروع کند آقای قالیباف به‌عنوان مسئول تیم انتخاب شد. آقای قالیباف انتخاب شما بود و با انتخاب شحام بود یا

نهادهای بالادستی این انتخاب را انجام دادند؟ ما از آقای قالیباف خواشش کردیم و ایشان هم پذیرفتند. بالاخره اگر با یکدیگر هماهنگ و همکار باشیم، راحت‌تر می‌توانیم امور را پیش ببریم تا اینکه تصور شود فقط دولت این کار را انجام می‌دهد. قوه قضائیه، مجلس، نیروهای مسلح و دیگر مجموعه‌ها همگی در این مسیر همکاری می‌کنند. برای اینکه نشان دهیم همه با هم هستیم، گفتیم نمایندگان از همه این مجموعه‌ها در این تیم حضور داشته باشند.

این تصمیم صرفاً تصمیم دولت نبود. همه با یکدیگر تفاهم کردیم و بر اساس داده‌ها، اطلاعات، واقعیت‌های میدان، وضعیت دولت و شرایط مردم تصمیم گرفتیم. واقعاً هم از آقای دکتر قالیباف قلباً قدردلی می‌کنم؛ ایشان جانانه و در پرتله وارد میدان شدند و همکاری می‌کنند. آقای اژه‌ای نیز واقعاً با جدیت و همرای‌های کامل همکاری دارند.

اگر تا امروز توانسته‌ایم بناییم و امور را پیش ببریم، به‌دلیل همین وحدت و انسجام بوده‌است.

آقای عراقچی چه؟
آقای دکتر عراقچی دیپلمات رسمی کشور ماست و شبانه‌روز تلاش می‌کند. متأسفانه عده‌ای به ایشان بی‌احترامی می‌کنند. من نمی‌دانم کلام دین و مذهب به انسان اجازه می‌دهد به دیگری تهمت بزند، نامزآ بگوید یا بی‌احترامی کند. خداوند می‌فرماید: «قل لعبادی یقولوا لّٰتی هی احسن ان الشیطان یترغ بینهم ان الشیطان کان للائسان عدواً مبینة». از دستور خلاصت. اگر مدعی هستیم که راه خدا را می‌رویم و از فرمان او اطاعت می‌کنیم، نباید مرز شیطان را در پرتله بگرییم. باید با یکدیگر مهربانانه و با همدلی سخن بگوییم و به هم بی‌احترامی نکنیم. شیطان می‌خواهد ما را به جان یکدیگر بیندازد؛ ما نباید به جان هم بیافشیم.

چرا پزشکیان با جای قالیباف تفاهم‌نامه آتش‌بس را امضا کرد؟

آقای رئیس‌جمهور، شما آقای قالیباف را به‌عنوان رئیس هیئت مذاکره‌کننده تعیین کرده بودید. چه شد که در نهایت امضای تفاهم‌نامه را شخصاً خودتان انجام دادید؟ قرار نبود آن‌ها برای امضای توافق به زور بزنند، اما درباره کلیات موضوع تفاهم شده بود و در نتیجه ما آن را امضاء کردیم. در طرف مقابل نیز قرار بود سند با آقای قالیباف امضاء کند. اما بعد تصمیم گرفته شد ترامپ امضاء کند تا توافق از اعتبار و استحکام بیشتری برخوردار باشد و نتوانند به‌سادگی زیر امضای خود بزنند.در نتیجه، وقتی امضا در طرف مقابل به سطح رئیس‌جمهور انجام شد، ما نیز آن را در همان سطح امضا کردیم. از نظر اعتبار و جایگاه این شکل از امضاء سطح بالاتری داشت.

یعنی تمام این هماهنگی‌ها در کمتر از ۲۴ ساعت انجام شد؟ دقیقاً چه اتفاقی افتاد که تاگهان تصمیم گرفتند در طرف آمریکایی، ترامپ و در طرف ایرانی، رئیس‌جمهور تفاهم‌نامه را امضاء کنند؟

روایت این ماجرا تا حدی محرمانه است؛ شاید در فرصت دیگری بتوان دل درباره آن صحبت کرد. فعلاً بیشتر از این موضوع را باز نکنید؛ همین مقداری که گفته شد، قابلیت انتشار دارد.